

## The Role of Self-Written Memoirs in the Development of the Holy Defense Oral History

Hossein Yazdi

Ph.D. in Political Science

**Abstract:** This research examines the role of self-written memoirs in the development and compilation of the Holy Defense oral history. The article is practical and qualitative. The content analysis method has been used through the documentary method by examining the texts available in books, articles, and research. Considering that the untold history of the Holy Defense is locked in the chest of many warriors, it is necessary to record this part of the history of the eight-year battle by creating a suitable space and using the simplest method in the form of self-written memoirs. Exploiting self-written memoirs of the Holy Defense is a new way of recording the oral history of the war. Writing memoirs in different ways has a long history in the history and culture of Iran. In recent years, the old tradition of memoir writing has been popularized in various forms. Some experts also apply the title of oral history to different types of memories. Therefore, knowledge of memory and oral history is necessary for comparative analysis and analytical comparison. Our question in this article is, what is the role of recording self-written memories in the development of the Holy Defense oral history? Self-written memoirs can be an introduction for the interviewer to receive the subject of oral history from the narrator and determine the oral history through interviewing and questioning. Self-written memoirs can play a fundamental and vital role in the development of the Holy Defense oral history. Memoirs and oral history have similar appearances, but they are different. Due to the closeness of memory and oral history, researchers do not distinguish between the two, while their principles and methods are different.

**Key Words:** Memoirs, Oral History, Holy Defense, Self-Written Memoirs.

### نقش خاطرات خودنوشت در توسعه تاریخ شفاهی دفاع مقدس

حسین یزدی جوشقانی

دکتری علوم سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

#### چکیده

این پژوهش بررسی نقش خاطرات خودنوشت در توسعه و تدوین تاریخ شفاهی دفاع مقدس را بررسی می‌کند. مقاله از نظر ماهیت، کاربردی و از نظر نوع، کیفی است که با روش اسنادی و بررسی متون موجود در کتب، مقالات و پژوهش‌های مرتبط، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. با توجه به اینکه ناگفته‌های تاریخ دفاع مقدس در سینه بسیاری از رزمندگان محبوس است، باید با ایجاد فضای مناسب و استفاده از ساده‌ترین روش در قالب خاطرات خودنوشت، به ثبت و ضبط این بخش از تاریخ نبرد هشتساله پرداخته شود. بهره‌برداری از خاطرات خودنوشت دفاع مقدس، شیوه‌ای نوین در ثبت تاریخ شفاهی جنگ است. نگارش خاطره با شیوه‌های مختلف، در تاریخ و فرهنگ ایران سابقه‌ای طولانی دارد. در سال‌های اخیر، سنت قدیمی خاطره‌نویسی در اشکال گوناگون رواج یافته است. برخی از صاحب‌نظران، عنوان تاریخ شفاهی را بر انواعی از خاطرات نیز اطلاق می‌کنند؛ بنابراین، شناخت خاطره و تاریخ شفاهی به‌منظور بررسی تطبیقی و مقایسه تحلیلی ضرورت دارد. پرسش ما در این مقاله این است که ثبت خاطرات خودنوشت چه نقشی در توسعه تاریخ شفاهی دفاع مقدس دارد. خاطرات خودنوشت می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا مصاحبه‌گر موضوع تاریخ شفاهی را از راوی دریافت کند و با مصاحبه و پرسش‌گری تاریخ شفاهی را رقم بزند؛ خاطرات خودنوشت می‌تواند در توسعه تاریخ شفاهی دفاع مقدس نقش اساسی و حیاتی داشته باشد. خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی ظاهری نزدیک به هم، اما متفاوت دارند. به دلیل نزدیکی خاطره و تاریخ شفاهی، پژوهشگر تمایز و تفاوتی میان این دو قائل نمی‌شوند؛ در حالی که اصول و روش آنها متفاوت است.

**واژه‌های کلیدی:** خاطره‌نگاری، تاریخ شفاهی، دفاع مقدس، خاطرات خودنوشت.

## مقدمه

گذشته» معنا و تعریف شده است (کمری، ۱۳۸۳، ص ۲۶).

خاطره را می‌توان به جهتی، انفعال و بازتاب ذهن در برابر رویدادهایی دانست که در حافظه جای گرفته اند، یا نتیجه یادآوری آنچه در ذهن است، به شمار آورد. در هر حال، خاطره، رویدادی است که شایستگی ثبت و ماندگاری در ذهن را یافته است (کمری، ۱۳۸۳، صص ۲۸ - ۲۹).

با توجه به این تعاریف، خاطره عبارت است از حوادث، رویدادها و حتی سیر عادی زندگی روزمره که با گذشت زمان، در قسمتی از ذهن جای گرفته و ماندگار شده است؛ به نحوی که در هر لحظه از زمان حال و بنا به نیاز شخص یا به طور غیرارادی به یاد می‌آید و در برابر فرد جان می‌گیرد. در این میان، خاطرات آن بخش از وقایع که نقش مهمی در زندگی بازی کرده است، هرچند مدت زیادی از زمان وقوع آن گذشته باشد، همواره در ذهن زنده اند و هرگاه صاحب خاطره در یادآوری آن اراده کند، همچون روز اول در خاطرش به یاد خواهد آمد؛ گویی لحظه ای بیش از آن نگذشته است و به یادآورنده، همواره می‌تواند شرح کم و بیش دقیق و کاملی از آن، با ذکر جزئیات بیان کند (قانونی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

## تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی نتیجه تولید انبوه اطلاعات تاریخی توسط انسان‌هایی است که بدون واسطه در متن حوادث شرکت داشته‌اند و یکی از شیوه‌های پژوهش در حوزه تاریخ است. این شیوه پژوهش به دلیل دستیابی به منابع و وقایع و رویدادهای تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است (مقاله قلمرو و جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری - نهیه سنگین‌آبادی).

تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی براساس دیده‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۵۸۱، ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰).

## انواع خاطرات

خاطرات، با توجه به ویژگی‌های گوناگون و متنوعی که دارند، به صورت‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شوند. خاطرات در نگاه اول و نخستین مبنای براساس نوع ثبت، ضبط و انتقالشان به دو دسته خاطرات شفاهی و خاطرات کتبی تقسیم می‌شوند:

در بستر تاریخ، وقایعی در جریان است که در گذر زمان به فراموشی سپرده می‌شود. با گذشت زمان اگر این وقایع ثبت نشوند، دچار تحریف و وارونگی می‌شوند. در میان وقایع معاصر، تاریخ دفاع مقدس گنجینه گرانبهایی است که زوایای پنهان بسیار زیادی را در خود دارد. رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه فرمودند: ما هرچه از لحاظ زمان از دفاع مقدس دور می‌شویم، از لحاظ معرفت باید به دفاع مقدس نزدیک‌تر بشویم، چرا؟ چون تحریف در کمین است. دست‌های تحریف‌گر در کمین‌اند. برای جلوگیری از تحریف تاریخ دفاع مقدس، توجه ویژه به تاریخ شفاهی دفاع مقدس از مهم‌ترین مسائل امروز جامعه ماست. تاریخ شفاهی جنگ را باید از زبان کسانی شنید که در دوران دفاع مقدس در جبهه جنگ حضور داشته‌اند. با توجه به اینکه بیشتر رزمندگان دفاع مقدس به دلایل شخصی از بیان تاریخ دوران حماسه و نبرد با دشمن خودداری می‌کنند، در این برهه حساس از تاریخ نظام جمهوری اسلامی که رزمندگان دفاع مقدس در آستانه سن پیری و فراموشی هستند، رسالت سنگینی بر دوش متولیان امر قرار دارد تا پیش از این زمان را از دست ندهند و با استخراج خاطرات از حافظه رزمندگان دفاع مقدس و ثبت در تاریخ شفاهی جنگ، از این گوهر نایاب محافظت کنند. تعداد زیادی از رزمندگان دوران دفاع مقدس، خاطراتی با سبک و سیاق تاریخی در ذهنشان دارند و به دلایلی از بیان آن خودداری می‌کنند؛ بنابراین، اگر به خاطرات خودنوشت رزمندگان توجه بیشتری بشود، می‌توان با استفاده از آن خاطرات، بستری مناسب برای پیاده‌کردن تاریخ شفاهی دفاع مقدس آماده کرد که اگر آن خاطرات خودنوشت با انجام مصاحبه‌های تکمیلی کامل شوند، برگ زرینی بر دفتر تاریخ شفاهی دفاع مقدس افزون خواهد شد.

## تعاریف

## خاطره‌نگاری

شکل کنونی واژه فارسی خاطره و ریشه اصلی آن همچون بسیاری از کلمات دیگر، تازی است. کلمه خاطره، در لغت به «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، گذشته‌های آدمی، وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است، دیده‌های گذشته یا شنیده‌های

تاریخ شفاهی، فرصت ثبت و نگارش تجارب زنده را برای کسانی مهیا کرد که فاقد آموزش‌های لازم و فرصت و نفوذ برای نوشتن بودند. در این مجال، شاید نظرات و تجربه‌های کسانی که خارج از منابع رسمی و نخبگان بودند و با آنها سازگاری و توافقی نداشتند، فرصت بیان تجارب خود را یافتند؛ تجاربی که از حیات مایه می‌گیرند و چشم انداز دیگری فراروی آیندگان باز می‌کنند. ... براساس اطلاعات شفاهی، فقط به دست آوردن اطلاعات صحیح و دقیق نیست، بلکه در بسیاری از موارد حتی اطلاعات اشتباه، حائز ارزش‌های کیفی است که اطلاعات صحیح لزوماً آنها را به دست نمی‌دهد (مسعودی‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

«دلیل اهمیت تاریخ شفاهی، این است که در سطوح متعددی تازگی دارد. نه تنها نوع غیرمعمولی از شواهد را می‌شناساند، منابع مختلفی را نیز می‌گشاید؛ بخش‌های مختلف (و در غیر این صورت غالباً مخفی) حوزه تاریخی را دسترس پذیر می‌سازد و غالباً زوایای جدیدی را از تفسیر مطرح می‌کند. همانند بسیاری دیگر از ابداعات تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی در نتیجه پیشرفت‌های فنی به‌ویژه میکروفن و ضبط صوت اهمیت یافت. این وسایل، مصاحبه با منبع خبر را برای پژوهشگر میسر ساختند» (استنفورد، ۱۳۸۴، ص ۲۶۶).

### پیشینه خاطره‌نگاری

قبل از اختراع خط، منابع تاریخی را خاطره اشخاص و نقل قول‌ها تشکیل می‌داد. یکی از منابع و مآخذ استفاده‌شده در تدوین تاریخ، منابع ذهنی یا نقلی یعنی شنیده‌ها، دیده‌ها و خاطره‌های اشخاص است. در این دسته مآخذ، اسطوره‌های باستانی، افسانه‌های کهن، حکایات تاریخی و داستان‌های قهرمانان ملی - که سینه به سینه نقل شده‌اند - و همچنین خاطرات اشخاص را باید گنجانند.

هر شخصی دارای تجربه فردی است که می‌تواند آن را در قالب خاطره روایت کند و به نوشتار درآورد. برخلاف نظر برخی، خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی، منحصر به شخصیت‌های برجسته و دارای موقعیت، مرتبه و مسئولیت در جامعه و مستلزم داشتن دانش عالی تخصصی در یک زمینه نیست (کمری، ۱۳۸۳، صص ۶۷ - ۸۸).

در فرهنگ ایرانی - اسلامی، از قرون میانه، سفرنامه‌نویسی به‌عنوان شکلی از خاطره‌نگاری مرسوم بوده و نمونه‌های بارزی

خاطرات شفاهی، آن دسته از خاطراتی است که صاحب خاطره، خود اقدام به ثبت آنها نمی‌کند؛ بلکه این خاطرات به‌صورت شفاهی برای دیگری نقل می‌شوند. این خاطرات نقل‌شده، اعم از آنکه برای فرد متخصصی که درصدد جمع‌آوری اطلاعات از خاطره‌ای خاص است یا صرفاً از روی نوعی تفنن یا دلتنگی بیان شوند، از انحصار فکر و ذهن صاحب خود بیرون می‌ریزند و بدین ترتیب به نوعی، از زوال - که ناشی از فراموشی یا مرگ گوینده خاطره است - رها می‌شوند (دهقان، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳).

خاطرات مکتوب، شیوه دیگر انتقال خاطرات است. در این دسته، صاحب خاطره یا دیگری، به دلایل گوناگون اقدام به نگارش خاطرات می‌کند و بدین ترتیب، خاطرات به شیوه مکتوب به دیگران منتقل و ثبت و ضبط می‌شوند. این خاطرات، آن‌چنان اهمیتی دارند که گاه حتی شکل‌گیری خاطره را نیز منوط به مکتوب‌شدن آن می‌دانند (کمری، ۱۳۸۳، صص ۶۲ - ۶۷).

نخستین نکته در بحث خاطره، شناخت حافظه به‌عنوان ظرف و محمل هر خاطره و روایت، در خاطره‌گویی، خاطره‌نویسی و تاریخ شفاهی است. از یاد، خاطر یا حافظه به‌عنوان توانایی انسان در یادآوردن و بخشی از ذهن به‌منظور یادآوری نام برده شده است (نورانی و ابوالحسنی، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

### پیشینه تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی در دوره جدید - که متضمن ثبت روشمند رویدادهای زندگی است - تنها پس از جنگ دوم جهانی آغاز به پیشرفت کرد. این پیشرفت تا اندازه‌ای مرهون متداول‌شدن ضبط صوت‌های همراه بود. اختراع ضبط صوت و بهره‌گیری از آن را باید انقلابی در عرصه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاع‌رسانی علمی شمرد. همچنین، رسانه‌های الکترونیکی، شرایط و سازوکارهای سنتی انتقال فرهنگ را تحریف و دگرگون ساختند (آلبر و تودسک، ۱۳۶۸، صص ۱۰۳ - ۱۰۴).

آلن نوینز در سال ۱۹۴۷ در دانشگاه کلمبیا، شاید نخستین تاریخ شفاهی نوین را تکمیل کرد. مهم‌ترین جنبش تاریخ شفاهی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بود که مورخان و نویسندگان اجتماعی، نقش ویژه‌ای برای این روش به‌عنوان ثبت و تفسیر انسانی از گذشته مدعی بودند.

### تاریخ شفاهی چه تفاوتی با خاطره دارد؟

مهم‌ترین مسئله‌ای که پژوهشگران تاریخ شفاهی با آن مواجه‌اند، تفاوت بین خاطره و تاریخ شفاهی است. در واقع مرز بین خاطره و تاریخ شفاهی را نمی‌تواند به‌خوبی تشخیص دهند یا تفاوتی بین آنها قائل شوند؛ چه بسا مصاحبه‌کنندگانی که خاطره ثبت می‌کنند؛ ولی مدعی‌اند تاریخ شفاهی کار کرده‌اند. باید دانست خاطره مثل قصه‌ای است که گاه ممکن است حتی سر و ته هم نداشته باشد؛ در صورتی که تاریخ شفاهی را می‌توان به یک مقاله علمی تشبیه کرد. مصاحبه‌کننده باید مصاحبه‌شونده را بشناسد تا بتواند حقیقت را دریابد. باید او را به چالش بکشد و به او بفهماند، باید رویدادها را دقیقاً همان‌طور که رخ داده است، تعریف کند، نه آن‌طور که تمایل دارد. شناخت راوی می‌تواند تا حدودی از دخل و تصرف گزارش‌ها بکاهد. تاریخ شفاهی اهمیتی است نظام‌مند و پژوهشگر تاریخ شفاهی در پی چیستی و رسیدن به پاسخ‌هایی است که می‌خواهد از مصاحبه‌شونده داشته باشد. نحوه سؤالات، تحلیل مسائل و به چالش کشاندن موضوعات مصاحبه می‌تواند مرز بین خاطره و تاریخ شفاهی را تبیین کند. در تاریخ شفاهی به علل چگونگی رخدادها، نقش افراد و عناصر مختلف تجزیه و تحلیل‌ها بر اساس اسناد و مدارک پرداخته می‌شود؛ در حالی که خاطره به هر آنچه در ذهن راوی نسبت به یک واقعه می‌گذرد، اشاره دارد. در تاریخ شفاهی، پرسشگر یا مصاحبه‌گر، در روند مصاحبه‌ای آگاهانه، زوایای خاموش و تاریک زندگی راوی را روشن می‌سازد و به یادآوری روایت از زبان راوی یاری می‌رساند. اشراف و آگاهی مصاحبه‌گر باید در حدی باشد که راوی را از جعل و بازآفرینی خیالی وقایع بازدارد. اگرچه پایه و اساس و زیربنای تاریخ شفاهی، خاطرات افراد است که با تحقیق و بررسی و مصاحبه و ثبت خاطرات طی فرایندی تبدیل به تاریخ شفاهی می‌شود، از نقش خاطرات خودنوشت به‌عنوان محتوایی گرانبها و ناب برای توسعه تاریخ شفاهی دفاع مقدس غافل نشویم. حال که با تاریخ شفاهی بیشتر آشنا شدیم و به‌نوعی می‌توان از آن با عنوان خاطرات دیگرنوشت نام برد. در این قسمت به نمونه‌ای از خاطره خودنوشت پرداخته می‌شود تا در پایان با تحلیل و بررسی و مقایسه آن با تاریخ شفاهی، اهمیت آن در گسترش و توسعه تاریخ شفاهی مشخص شود.

از آن در ادوار گوناگون تاریخی وجود داشته است. در دوران معاصر، در کنار پیچیدگی و سبک مبالغه‌آمیز نثر فارسی، زبان ساده و صریح به‌کاررفته در نوشتن خاطرات، قدم اساسی در پیدایش نثر فارسی نوین به شمار می‌آید. خاطرات، نمونه‌ای از ساده‌نویسی و نوگرایی در نثر فارسی این دوران است؛ ازجمله خاطرات تاج السلطنه که مطالب را با نثری ساده نگاشته است (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۱).

شمار کسانی که به نگارش خاطرات خود از حوادث دوران انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، بسیار اندک است. برخی وقوع جنگ ایران و عراق را یکی از عوامل اصلی آن می‌دانند. جنگ تحمیلی و پیشرفت حیرت‌انگیز آثار خودنوشت رزمندگان، موجب شد تا حرکت اجتماعی مردم در انقلاب، در میان خاطرات و یادداشت‌ها، جایگاه خود را پیدا نکنند. «هرچند در سال‌های اخیر، بعضی از سازمان‌ها اقدام به مصاحبه با افراد انقلابی آن دوره کرده‌اند و این آثار به‌عنوان خاطرات شفاهی به چاپ رسیده است. کتاب *لحظه‌های انقلاب*، نوشته محمود گلابدیره‌ای از آثار خودنوشت برجسته راجع به پیروزی انقلاب، از این دست است» (دهقان، ۱۳۸۶، ص ۹۴).

### روش یکسان و دستورالعمل متفاوت

خاطره و تاریخ شفاهی، ظاهری نزدیک به هم، اما متفاوت دارند و در برگیرنده مباحثی هستند که به گفته صاحب‌نظران این حوزه‌ها از فقر مباحث نظری و علمی رنج می‌برند و ملاک و معیارهای مناسب و علمی برای تعریف و تمیز دادن از هم ندارند. علی‌طوری، مدیر مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دلیل این مسئله را نزدیک‌بودن روش کار خاطره شفاهی و تاریخ شفاهی می‌داند و در تعریف خاطره مکتوب این‌گونه عنوان می‌کند: خاطره مکتوب، اسمش با خودش است؛ در این حوزه، یک فرد سابقه تاریخی یا رخداد زندگی‌اش را مکتوب یا ضبط می‌کند. در اینجا صرفاً یک فرد است که وقایع شخصی را مطرح می‌کند؛ اما در تاریخ شفاهی برای نگارش اثر، یک فرایند مشخص طی می‌شود که بخشی از آن تحقیق و پژوهش است. هرچند در ثبت خاطرات هم تحقیق صورت می‌گیرد، تولید تاریخ شفاهی یک واقعه، براساس گفت و گو با مجموعه‌ای از شاهدان و گواهان آن ماجرا یا واقعه انجام می‌شود.

## بخشی از خاطرات خودنوشت

نوجوانی ۱۵ ساله بودم که جنگ عراق علیه ایران آغاز شد، برای رفتن به جبهه سر از پا نمی‌شناختم، ولی نمی‌دانستم چه باید بکنم! از یک طرف نسبت به هم سن و سال‌های خودم جثه کوچک و ضعیفی داشتم و از طرف دیگر، از نظر قانونی سن من اقتضا نمی‌کرد تا به جبهه بروم و پدرم برای شاگرد رانندگی به من نیاز داشت.

دفاع از انقلاب و سرزمین و ناموس، حساسی در دلم ولوله ایجاد کرده بود. هر زمان پای تلویزیون صحنه‌های جنگ را می‌دیدم، آرزو می‌کردم من هم در جبهه و در صف رزمندگان بودم. بعد از یک سال اواسط سال ۱۳۶۰ که نوجوانی ۱۶ ساله شده بودم، برای اعزام به جبهه به بسیج کاشان مراجعه و ثبت‌نام کردم. پس از پذیرش برای اعزام به جبهه که با مشکلات و سختی انجام شد، به مدت یک ماه برای دیدن دوره آموزش نظامی به اصفهان اعزام شدم.

## اولین عملیاتی که شرکت کردم

اولین مرتبه بود که به جبهه آمده بودم. ما را به تیپ نجف اشرف در اهواز بردند. آرزوی همه رزمندگان ما که به جبهه اعزام می‌شدند، نبرد با دشمن و شرکت در عملیات بود. بالاخره انتظار به سر رسید و به منطقه عملیاتی محرم، منتقل و در میان ارتفاعات اطراف دهلران مستقر شدیم. چند روز به ماه محرم باقی مانده بود. گردان‌ها دسته‌های عزاداری راه‌اندازی کرده بودند. زمزمه این بود که قراره در ماه محرم عملیات انجام بشه. ماه محرم سال ۱۳۶۱ حدوداً در آبان ماه بود. شب‌ها هوا کمی سرد بود؛ ولی گرمای حضور معنوی رزمندگان باعث شده بود همه با نشاط و روحیه بالایی برنامه‌های عزاداری و مدیحه‌سرایی و ... را همراه با استتار و اختفای کامل برگزار کنند. محل استراحت ما چادرهای کوچک و بزرگ استتار شده بین ارتفاعات و شیارها بود.

محرم فرا رسید. همه لحظه‌شماری می‌کردیم که یکی از این شب‌ها حرکت می‌کنیم و عملیاتی علیه دشمن انجام می‌دهیم؛ ولی از عملیات خبری نبود؛ اول، دوم، سوم، چهارم محرم و ... گذشت؛ حتی شب‌های تاسوعا و عاشورا که همه فکر می‌کردند عملیات انجام شود؛ گذشت، ولی خبری نشد! گویا سیزدهم محرم بود که بعد از صرف ناهار هوا ابری شد؛ ابرهای درهم تپیده و بسیار سیاه، آسمان را فرا گرفت و باران رحمت

الهی شروع به باریدن کرد. شدت باران هر لحظه بیشتر می‌شد؛ به طوری که همه را نگران کرده بود! خیلی زود و بدون هیچ فرصتی همه‌جا را سیل فرا گرفت. داخل چادرهای ما پر از آب و همه تجهیزات بچه‌ها خیس شده بود!

به یکباره باران از باریدن ایستاد. به دستور فرمانده تیپ ۸ نجف اشرف، شهید حاج احمد کاظمی همه گردان‌ها توجیه شدند و برای حرکت به سوی منطقه عملیاتی آماده شدیم. بعد از صرف شامی مختصر، نزدیک غروب همه سوار بر کامیون‌های کمپرسی به سمت منطقه عملیاتی حرکت کردیم. کامیون‌ها ما را نزدیک دهلران پیاده کردند. هوا تاریک و زمین پر از گل ولای بود. در حالت اضطرار با همان وضویی که داشتیم نماز را خواندیم. سپس آخرین هماهنگی و صحبت‌های توجیهی توسط فرمانده گردان انجام گرفت.

## عملیات محرم

بنا به دستور و با رعایت آرامش و سکوت، گردان‌ها هر کدام به سمت محور عملیاتی خود پیاده به راه افتادند. گردان ما هم حرکت خود را در تاریکی آغاز کرد. هدف ما تصرف ارتفاعات ۲۹۰ بود. مسیر نسبتاً طولانی را در تاریکی شب پشت خاکریزها به ستون یک در حرکت بودیم. به محور و محل عملیات گردان و گروهان خودمان رسیدیم. پشت خاکریز مستقر شدیم.

اولین عملیات بود که تجربه می‌کردم. بچه‌ها به راز و نیاز و دعا و ذکر مشغول بودند و التماس دعا و حلالیت و طلب شفاعت می‌کردند. حال و هوای خوبی بود. اینجا دیگر ترس معنی نداشت. اصلاً به خودت اجازه نمی‌دادی که ترس در وجودت جا خوش کند. باید ترس را گوشمالی می‌دادی تا بتوانی به سمت دشمن حرکت کنی و گرنه پاهای انسان توان حرکت پیدا نمی‌کرد و با هزار بهانه همان‌جا متوقف می‌شد!

در این شرایط به صورت پراکنده صدای شلیک و انفجار که طبیعت جبهه بود، شنیده می‌شد. گردان در نقطه‌رهایی منتظر آخرین دستور بود. زمین منطقه حساسی گل‌ولای شده بود. بالاخره حدود ساعت ده شب سیزدهم آبان ۱۳۶۱ دستور حرکت با رمز «یا زینب» صادر شد. در همان ابتدای حرکت وقتی از خاکریز خودی وارد دشت شدیم تا به سمت ارتفاعات حرکت کنیم، خمپاره‌ای در نزدیکی ما به زمین خورد و یکی از رزمندگان که بچه منطقه ابوزیدآباد کاشان بود با ترکش ریزی که

گرفت. یک لحظه همه ماندیم! چند نفر شروع کردند به ریختن خاک و گل و هرچه به دستشان می‌آمد تا خاموش کنند، مگر می‌شد، هرچه بود این انفجار مین منور همان و رگبار گلوله‌های دشمن همان!

چیزی نگذشت که سطح زمین از شلیک گلوله به خصوص فشنگ رسام که کاملاً پیدا بود و آسمان را می‌شکافت و ویز ویزکنان از کنار گوشمان عبور می‌کرد. همه دنبال این بودند که فرمانده چه دستوری می‌دهد. در همین شرایط بود که دستور حرکت صادر شد، با سرعت به جلو می‌رفتیم؛ همین سرعت باعث می‌شد بین ستون گاهی فاصله هم بیفتد، مجبور بودیم در یک ستون برویم؛ چون هنوز در معبر و میدان مین بودیم که مقداری هم بین ما و ستون فاصله افتاده بود.

آتش دشمن سنگین بود و از روی ارتفاع ۲۹۰ با توپ پدافند چهار لول ضد هوایی که باید به سمت هواپیما شلیک کنند، به سمت بچه‌های رزمنده شلیک می‌کردند. دشمن هنوز انسجام پیدا نکرده و غافلگیر شده بود. ما تا پای ارتفاع و بیخ گوش دشمن آمده بودیم و الان در شیارهای پشت دشمن داشتیم خود را به بالای ارتفاع می‌رساندیم. وقتی نیروهای بعثی عراقی که در حال شلیک به سمت دشت و خاکریز ما بودند، یک دفعه ما را بالای ارتفاع و پشت سر خودشان دیدند! دیگر کار از کار گذشته بود، با رگبار بچه‌ها در بالای ارتفاع و با کمترین درگیری عراقی‌ها تسلیم شدند و ارتفاعات مشرف بر شهر دهلران را تصرف کردیم.

تازه به بالای ارتفاع رسیده بودیم و مشغول تثبیت مواضع و پاکسازی کانال‌ها و سنگرها بودیم تا بعد از نماز صبح که هوا روشن شد، اگر دشمن پاتک زد و حمله کرد، بتوانیم با دشمن بجنگیم. فکر می‌کردم در این شرایط خستگی و بی‌خوابی شب عملیات نزدیک صبح خواب به سراغمان بیاید؛ ولی واقعاً انرژی فوق‌العاده‌ای پیدا کرده بودیم، نه خسته بودیم و نه خواب در چشمانمان بود. شیرینی این پیروزی وقتی بیشتر شد که فرمانده تیپ، برادر احمد کاظمی (که در سال ۱۳۸۴ به شهادت رسید) با آن چهره دوست‌داشتنی و لبخند همیشگی‌اش در خط مقدم کنار رزمندگان حاضر شده بود.

### نتیجه

با توجه به تعاریفی که از خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی به عمل آمد، متوجه شدیم در حوزه خاطره‌نویسی، صرفاً سابقه

به سرش خورد به شهادت رسید. ستون در حال حرکت بود. هرچند آسمان ابری بود، چون ماه در حد قرص کامل در آسمان از لابه‌لای ابرها می‌درخشید، به‌خوبی جلوی مان را می‌دیدیم و به جلو می‌رفتیم. معجزه‌ای که من با چشمان خودم می‌دیدم این بود که هرچه به مواضع دشمن نزدیک می‌شدیم، همان ابرها جلوی قرص ماه را می‌گرفتند و تاریکی مطلق حاکم می‌شد و دشمن ما را نمی‌دید. هرچند گاهی گردان از حرکت می‌ایستاد و لحظاتی زمین‌گیر می‌شدیم، با این نشستن و برخاستن‌ها می‌فهمیدیم به دشمن نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم تا اینکه پیام از نفرات جلوی یکی یکی به پشت سری‌ها منتقل شد که الان در معبر و در میدان مین دشمن هستیم؛ مراقب باشید، از ستون خارج نشوید. کل نفرات در ستون نشسته بودند و هنوز دشمن متوجه وجود ما نشده بود. بچه‌ها می‌گفتند بچه‌های تخریب‌چی دارند معبر باز می‌کنند.

با توجه به آموزش‌های خوب نظامی که دیده بودیم، می‌دانستیم در این شرایط باید چگونه حرکت کنیم و قدم‌جا پای نفر جلوی بگذاریم و دقیقاً در یک ستون حرکت کنیم تا نفر جلویمان را گم نکنیم و از آنها جدا نشویم. پایین هدف (ارتفاعات ۲۹۰) بودیم، فقط یک خیز لازم بود تا مثل عقاب روی سر دشمن فرود آییم و او را غافلگیر کنیم. ظاهراً به لطف خداوند منان آن باران سیل‌آسا دشمن را به اشتباه انداخته بود و با این خیال که رزمندگان ایرانی در این وضعیت نامناسب گل‌ولای و بارانی حمله‌ای نخواهند داشت، به‌جز تعداد کمی از نگهبان‌ها بقیه نیروی دشمن در خواب بودند. خبر رسید میدان مین ختنی و معبر باز شد. تخریب‌چی‌ها مشغول قطع کردن سیم‌های خاردار ردیفی بودند.

### میدان مین

در میدان مین به ستون نشسته بودیم که معبر باز شد. تخریب‌چی‌ها مشغول قطع سیم‌خاردارها بودند. یکی از بچه‌ها که چندین متر جلوتر از ما بود، یک دفعه مقداری به سمت راست حرکت کرد. چون معبر حدود یک متر و نیم عرض بیشتر نداشت، این حرکت باعث شد دست یا پایش به سیم تله انفجاری مین منور برخورد و مین منفجر شود. مین‌های منور تله می‌شدند که با انفجار و تولید نور محل دقیق ما را به دشمن نشان دهند و غیر قابل خاموش کردن است. یک دفعه در آن ظلمات و تاریکی با یک انفجار خفیف گویا همه‌جا آتش

جمعی تبدیل کنند و برای توسعه تاریخ شفاهی از همین تجربه‌های فردی با مصاحبه و تکمیل کردن آن، تاریخ شفاهی را رقم بزنند؛ برای نمونه، با مکتوب کردن خاطره خودنوشت در بالا، تجربه فردی من در عملیات محرم می‌تواند با کمک مصاحبه‌گرها به تاریخ شفاهی قابل استفاده تبدیل شود.

پس لازم است برای توسعه تاریخ شفاهی، مقدمات لازم فراهم شود تا تمام رزمندگان دفاع مقدس خاطرات خود را مکتوب کنند و سپس با تحقیق و بررسی بیشتر و مصاحبه‌های تکمیلی، این حجم فراوان از خاطرات خودنوشت رزمندگان به تاریخ شفاهی تبدیل شوند.

#### منابع

- آلبر، پیر، تودسک، آندرِه ژان (۱۳۶۸). تاریخچه رادیو و تلویزیون.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴). درآمدی بر تاریخ پژوهی (مسعود صادقی، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- استنفورد، مایکل (۱۳۷۹). فلسفه تاریخ، رابطه تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی. در فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری. مایکل استنفورد و دیگران (حسینعلی نوذری، مترجم). تهران: طرح نو.
- دهقان، احمد (۱۳۸۶). خاک و خاطره. تهران: صریر.
- ططری، علی، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر، سایت شخصی، تفاوت خاطره مکتوب با تاریخ شفاهی، زمان انتشار: ۰۱/۰۵/۲۰۱۸، کد خبر: ۲۱۵۶.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۳). با یاد خاطره (ج ۱). درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران. تهران: سوره مهر.
- کمری، علیرضا (۱۳۷۳). درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌ها در گستره ادب مقاومت و فرهنگ جبهه. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- کمری، علیرضا (۱۳۷۳). یاد مانا (پنج مقاله درباره خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های جنگ و جبهه دفاع مقدس). تهران: سوره مهر.
- قانونی، مریم (بی‌تا). تحلیل و مقایسه سنت خاطره‌نگاری در عصر مشروطه (۱۳۲۰ ق - ۱۳۴۰ ق). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مقاله تاریخ

تاریخی، وقایع شخصی یا رخدادی نوشته می‌شود؛ اما در تاریخ شفاهی برای نگارش یک اثر، یک فرایند مشخصی همراه با تحقیق و پژوهش طی می‌شود. تولید تاریخ شفاهی یک واقعه، براساس گفت‌وگو با مجموعه‌ای از افراد انجام می‌شود که شاهدان و گواهان آن ماجرا یا واقعه بوده‌اند. در تاریخ شفاهی، پرسشگر یا مصاحبه‌گر در روند مصاحبه‌ای آگاهانه، زوایای خاموش و تاریک زندگی گوینده را روشن می‌سازد و به یادآوری روایت از زبان راوی یاری می‌رساند.

پرسش ما در این مقاله این است که ثبت خاطرات خودنوشت چه نقشی در توسعه تاریخ شفاهی دفاع مقدس دارد. با توجه به اینکه خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی ظاهری نزدیک به هم دارند، با هم متفاوت‌اند؛ ولی دربرگیرنده مباحثی هستند که به گفته صاحب‌نظران این حوزه‌ها از فقر مباحث نظری و علمی رنج می‌برند و ملاک و معیارهای مناسب و علمی برای تعریف و تمیزدادن از هم ندارند. در تاریخ شفاهی قبل از انجام گفت‌وگوها پژوهش صورت می‌گیرد تا مؤلف به ماجرا اشراف پیدا کند و آن را با اسناد و منابع دیگر تطبیق دهد. به دلیل نزدیک بودن خاطره و تاریخ شفاهی، پژوهشگر تمایز و تفاوتی میان این دو قائل نمی‌شود؛ در حالی که اصول و روش آنها متفاوت است. خاطره، حافظه یک فرد از جامعه است؛ ولی تاریخ شفاهی حافظه جمعی است. خاطرات مکتوب، شخص محور است و در تاریخ شفاهی، وقایع، رخدادها، محیط جغرافیایی و دیگر موارد با نظارت پژوهشگر بررسی و ثبت می‌شوند. درواقع، روش کار یکی است، اما دستورالعمل متفاوت است.

آنچه در خاطره خودنوشت سطور بالا مشاهده شد راوی سراغ تک‌سوژه می‌رود و راوی به صورت انفرادی موضوع را به صورت خطی دنبال می‌کند و تا جایی که ذهنش یاری کند، پیش می‌رود. خاطره نگار سیر ماجرا را با رعایت توالی زمان پیش می‌برد؛ ولی در تاریخ شفاهی، مورخ شفاهی یک پدیده تاریخی را از روایت روایان متعدد دنبال می‌کند و به دنبال حقایق است و می‌خواهند نیمه تاریک ماجرا را کشف کند؛ بنابراین، خاطرات خودنوشت مقدمه‌ای است تا به کمک آن مصاحبه‌گر بتواند دامنه فعالیتش را گسترش دهد و موضوعات جدیدی را برای توسعه تاریخ شفاهی دنبال کند.

خاطره خودنوشت زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا مصاحبه‌گر و محقق تاریخ شفاهی تجربه فردی رزمندگان را به یک عملیات

شفاهی چیست؟ خبر ۱۵۸۱ دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰  
<http://css.ir/nbhhl>

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۸). انقلاب اسلامی در  
پایان‌نامه‌های دانشگاهی جهان، کتاب اول، روابط بین‌الملل،  
تاریخ سیاسی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مسعودی‌نژاد، (۱۳۸۵). قلمرو و جایگاه تاریخ شفاهی در  
تاریخ‌نگاری. ص ۱۵۳.

نورائی مرتضی و همکاران (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی  
خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی. فصلنامه گنجینه اسناد، سال  
بیستم.